



بیانیه کارگردانان مستند درباره اعتراضات اخیر

انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند با انتشار بیانیه‌ای به رویدادها و اعتراض‌های اجتماعی اخیر در کشور واکنش نشان داد. در این بیانیه آمده است که اعتراض‌های شکل گرفته در نقاط مختلف کشور را نمی‌توان صرفاً واکنشی به مشکلات اقتصادی دانست، بلکه این تحولات حاصل انباشت مطالبات مدنی، اجتماعی و انسانی در طول سال‌های گذشته است. این انجمن با اشاره به جایگاه کارگردانان مستند به‌عنوان راویان واقعیت‌های اجتماعی، تأکید کرده است که بی‌توجهی به نشانه‌های آشکار نارضایتی اجتماعی، امکان‌پذیر نیست. انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند ضمن تأکید بر حق اعتراض مدنی، هرگونه خشونت علیه معترضان را محکوم کرده و تصریح کرده است که حفظ اعتماد اجتماعی تنها از مسیر گفت‌وگوی مسئولانه، پاسخگویی شفاف و احترام به حقوق شهروندان ممکن است. این انجمن از نهادهای مسئول خواسته است در مواجهه با اعتراض‌ها؛ حفظ جان شهروندان، پرهیز از خشونت و رعایت حقوق بنیادین انسانی را در اولویت قرار دهند.



واکنش جورج کلونی به اظهارات اخیر ترامپ

جورج کلونی، بازیگر و فیلمساز مشهور هالیوود، پس از انتقاد تند دونالد ترامپ از دریافت تابعیت فرانسوی او و همسرش امل کلونی، با بیانیه‌ای کوتاه و کنایه‌آمیز، واکنش نشان داد؛ پاسخی که بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها داشت. ترامپ در پیامی در شب سال نو، کلونی و همسرش را به‌دلیل مواضع سیاسی‌شان به تمسخر گرفت و آن‌ها را از «بدترین پیش‌بینی کنندگان سیاسی» خواند. او همچنین با انتقاد از وضعیت فرانسه، عملکرد کلونی در سینما را «متوسط» توصیف کرد. کلونی اما در واکنش گفت: «کاملاً با رئیس‌جمهور فعلی موافقم. باید عظمت را دوباره به آمریکا بازگردانیم. از نوامبر شروع می‌کنیم.» این بازیگر به‌تازگی تابعیت فرانسه را گرفته و دلیل آن را قوانین سختگیرانه حريم خصوصی و امنیت خانواده‌اش عنوان کرده است. او هم‌زمان با فعالیت‌های هنری، همچنان مواضع انتقادی خود نسبت به سیاست و رسانه‌های آمریکا را حفظ کرده است.



«زوتوپیا ۲» پر فروش‌ترین انیمیشن دیزنی شد

انیمیشن «زوتوپیا ۲» باثبت فروش جهانی ۱/۴۶ میلیارد دلار، عنوان پر فروش‌ترین انیمیشن تاریخ والت دیزنی را از آن خود کرد و رکورد «یخ‌زده ۲» را شکست. این فیلم که دنباله انیمیشن موفق سال ۲۰۱۶ است، توانست رکورد قبلی «یخ‌زده ۲» با فروش ۱/۴۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ را پشت‌سر بگذارد. «زوتوپیا ۲» در بازار آمریکا ۳۳۳ میلیون دلار و در بازارهای بین‌المللی ۱/۱۳ میلیارد دلار فروش داشته و تنها در پنجمین هفته اکران، هم‌زمان با تعطیلات کریسمس، نزدیک ۸۸ میلیون دلار به فروش خود افزود. این اثر در مدت ۱۷ روز، به فروش یک میلیارد دلاری رسید و سریع‌ترین فیلم با درجه سنی PG در تاریخ سینما شد که به این رکورد دست می‌یابد. موفقیت چشمگیر فیلم در چین، با عبور فروش از ۵۰۰ میلیون دلار، نقش مهمی در این دستاورد داشت. «زوتوپیا ۲» با صدایشگي جینفر کودیون و جیسون بیتمن، بار دیگر جودی هاپس و نیک وایلد را در ماجراجویی تازه و پرهیجان، کنار هم قرار می‌دهد.

نغمه‌های پنهان استاد

نگاهی به کارنامه هنری محمدرضا شجریان وآثار منتشر نشده‌اش به بهانه انتشار دو اثر از او



جلوی دوربین نشست و از بیماری‌اش گفت و پس از آن هر روز بیماری، چهره‌ی زشت خود را نمایان تر کرد تا سرانجام جانش را آسمانی کرد؛ اما پیش از آن، تور موفقى در ۱۰ شهر اروپا برگزار کرد که این دو اثر بر خاسته از همان است. در این آثار از سازهای ابداعی استاد بهره گرفته شده است که می‌توان آن را تلاشی آگاهانه برای گشودن افق‌های صوتی جدید با حفظ رنگ‌وبوی شرقی دانست. آثار مندرج در این دو آلبوم، در آواز دشتی و بیات ترک و دستگاه راست‌پنجگاه شامل تصانیفی چون «دل بی‌تاب» بر شعر فریدون مشیری، «نمی‌دانم» بر شعر هوشنگ ابتهاج و «مدارا» بر غزل حافظ است که با آهنگسازی سعید فرج‌پوری اجرا شده، بخش دوم، با قطعاتی در ماهور، افشاری و راست‌پنجگاه، شامل «صورتگر نقاش» بر غزل مولانا، «بر من گذشتی» بر شعر سیمین بهبهانی و «بانگ دهل» بر غزل مولانا، با آهنگسازی استاد شجریان و مجید درخشانی است. اما این تنها آثار بر جای مانده از استاد آواز خوان نیست که هم‌چنان منتشر نشده‌اند؛ هنوز این گنجینه درهای بسیار در خود نهفته دارد.

❖ دیگر ناکفته‌های آواز استاد

اسما موضوع فقط این دو اثر نیست و گنجینه‌ای عظیم از ضبط‌های منتشر نشده‌ی شجریان وجود دارد؛ گنجینه‌ای که ابعاد آن، فراتر از تصور عمومی، بخش مهمی از تاریخ ناکفته موسیقی آوازی ایران را در خود نهفته دارد. همایون می‌گوید که قصد سامان‌دهی ارشیو صوتی استاد را دارد و قرار است این وظیفه را رادمان توکلی، نوازنده تار، برعهده بگیرد. بنابر این توضیحات، شمار این آثار به حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ قطعه می‌رسد؛ آثاری که بخش عمده‌ای از آن‌ها در مراحل آماده‌سازی قرار دارند و امید می‌رود در قالب مجموعه‌هایی منسجم و رسمی در آینده منتشر شوند. این ارقام، خود گواه گسترده‌ی فعالیت‌های ضبط‌شده‌ای است که تاکنون از دسترس مخاطبان دور مانده و تنها در حافظه ارشیوی موسیقی‌دانان و نزدیکان استاد باقی بوده است؛ آثاری که می‌توان آن را شامل همکاری‌های متنوع و بی‌شمار با بزرگان و استادان موسیقی ایرانی دانست که هر کدام بخش مهمی از تاریخ موسیقی معاصر را شکل داده‌اند.

❖ اجراهای خصوصی

بخش مهمی از آثاری که به‌شکل رسمی منتشر نشده‌اند، اجراهای خصوصی استاد است. منظور آن دسته از آثاری است که در استودیو ضبط نشده‌اند، بلکه در محافل مختلف به‌ویژه جمع‌های خودمانی، بزم استاد و همراهانش توسط یکی از افراد ضبط‌شده و بخشی از آن توسط کسی از کسانی که در آن محافل بوده‌اند، منتشر شده؛ اما کیفیت لازم را ندارد و می‌توان آن را با آرایش صوتی منتشر کرد. ازجمله این آثار می‌توان به اجراهای او با یعقوب انوش اشاره کرد که قطعاتی چون «داغ فراق» (۱۳۷۵) و «زلف تابدار» را در برمی‌گیرد. همایون جوان در آن سال‌ها در برخی بخش‌های آوازی، با پدر همراه بوده که خود از آن به‌عنوان یادگیری‌ای تمام‌عیار برای خود قلمداد کرده و از همین روی است که انتشار رسمی و گسترده‌ی آن علاوه بر شجریان پدر، می‌تواند سندی صوتی بر نحوه‌ی شکل‌گیری شخصیت آوازی «همایون» ی باشد که حالا خود مهم‌ترین پرچم‌دار پدر است. اما همکاری‌های شجریان با عبدالحسین بدیعی، از سال‌های ۶۵ تا اواخر دهه‌ی ۶۰ شامل تصانیف متعدد از جمله «خسته‌دل»،

این سرزمین پابر جاست، از حنجره مردم ایران تکرار می‌شود. او هر چه خواند، برای همیشه تازه است؛ هنوز سخن دل است و هنوز موسیقی جان و اصلاً مگر جز این می‌تواند باشد که او در هر چه خواند، روح زمان را در خود مستتر داشت.

همین چندی قبل بود که پسرش (همایون) دو آلبوم شنیده‌نشده از او را منتشر کرد. آثاری با نام‌های «بانگ دهل» و «سر در گریبان» که در قالب پروژه‌ی «یادگاری جاودانه» منتشر شده‌اند. این آلبوم‌ها از آخرین کنسرت‌های محمدرضا شجریان طی سال ۱۳۹۳ در شهرهای مختلف اروپایی است که به‌واسطه‌ی نشر «دل آواز» عرضه شده‌اند و این اتفاق خوشی است میان این هروله‌ی ترس و ناامیدی مردمان این سرزمین از سایه‌ی شومی که جنگ بر سرشان گسترانده و جیب‌هایشان که هر روز خالی و خالی‌تر می‌شود. همین بهانه‌ای شد برای نگاه به آثار مانده از شجریان.

❖ اسطوره سر بر آورد

برای نگاه به آثار جامانده و منتشر نشده از شجریان، ناگزیریم به نگاهی کوتاه از زندگی هنرش‌اش که در سه‌دوره گذشت. دوره‌ی نخست، از کودکی تا سال ۱۳۴۵ که با آشنایی عمیق او با آثار موسیقی قدما و اجرا در رادیو مشهد همراه است و در پایان آن به رادیو ایران و برنامه گل‌های تازه راه می‌یابد. دوره‌ی دوم، از ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۷، که حضور او در رادیو و گاه تلویزیون تثبیت می‌شود. دوره‌ی سوم، از پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان عمر، که شجریان در غیاب بسیاری از آوازخوانان بزرگ پیشین، به‌تدریج به‌شاخص‌ترین چهره آواز ایرانی بدل می‌شود. اما می‌دانید چه‌چیز شجریان را شجریان کرد؟ او هیچ‌گاه تا آخرین لحظه‌های زندگی‌اش از دو چیز دست نکشید، اول از همراهی با مردم و دوم از آموختن و بازاندیشی در آثار خویش و آثار قدمای خویش. برای همین است که او تا همان آخرین روزهایی که به اجرای کنسرت با گروه جوان «شهناز» می‌پرداخت، اتصال عمیق خود را با سنت آوازی ایران حفظ کرد و در کنار ایفای نقش اجتماعی‌اش، موجب اثرگذاری فنی و تکنیکی بر آواز ایرانی شد.

❖ آخرین سند صوتی آواز خوان سترگ

حال این دو اثر تازه منتشر شده را می‌توان مجالی دوباره برای بازخوانی حافظه‌ی صوتی یک ملت دانست که واپسین سند صوتی از حضور صحنه‌ای محمدرضا شجریان است و طبق آنچه «همایون» گفت، بخش‌هایی از اجرا به‌صورت زنده ضبط شده بوده و بعد از جداسازی صدای خواننده از ارکستر و انجام میکس دقیق، طی هشت‌ماه منتشر شده است.

شجریان بزرگ در آن سال‌های آخر حیاتش، زمانی که امکان اجرای زنده در ایران را نداشت و البته که روسیاهی‌اش بماند برای مسیبان آن، کنسرت‌های متعددی را در خارج از کشور اجرا کرد. او اما همواره به همراهی با مردم سرزمین‌اش دل خوش داشت و برای همین هم بود که حتی به برگزاری کنسرت در کشورهای اطراف ایران پرداخت تا مگر مردمانی بیشتر از آنان که در وطن زیست می‌کنند به دیدن کنسرت‌اش بروند. آدم می‌ماند این غم را کجا ببرد که او قبل از سر برآوردن هیولای سرطان، می‌خواست در همین ارمنستان به اجرای برنامه بپردازد تا با عاشقانش در همین نزدیکی‌ها دیدار کند، همان کنسرت شومی که با بیانیه‌ای که خود منتشر کرد، متوقف شد و عید همان سال با سری تراشیده



بخش مهمی از آثاری که به‌شکل رسمی منتشر نشده‌اند، اجراهای خصوصی محمدرضا شجریان است. منظور آن دسته از آثاری است که در استودیو ضبط نشده‌اند، بلکه در محافل مختلف به‌ویژه جمع‌های خودمانی، بزم استاد و همراهانش توسط یکی از افراد ضبط‌شده و بخشی از آن توسط کسی از کسانی که در آن محافل بوده‌اند، منتشر شده؛ اما کیفیت لازم را ندارد و می‌توان آن را با آرایش صوتی منتشر کرد

❖ میراثی که ماند



سما بابایی

روزنامه‌نگار موسیقی

تایستان است. شب؛ با این‌وجود اگر گاه‌گاه نسیمی نوزد، گرما امان می‌برد. گاه صدای حرفی، نجوایی، خنده‌ای می‌آید. یک جوان روی زمین نشسته با چند نوازنده در اطرافش. پیراهن سفید به تن دارد. موهای انبوه مشکی. سرش به زیر است. شرم شرقی دارد و البته غرور خراسانی. جوان، دهان باز می‌کند. جهان متوقف می‌شود. تمام دنیا می‌شود صدا. صدای او. صدای جوان سیلوش نام. همه در خلسه می‌روند. حافظیه همه آسمان می‌شود. آدم‌هایش می‌روند به جایی دیگر. هنوز مانده است تا همه بفهمند که این جوان قرار است وقار و آبروی هنر ایران شود. زمان زیادی نمی‌خواهد برای فهمیدن این راز. او از نخست چنان می‌نماید که انگار به دنیا آمده تا بزرگ‌ترین چهره‌ی هنر این سرزمین شود. می‌شود هم. از همان شب بارقه‌اش مشخص است و بعد جای پای خود را محکم می‌کند وقتی دوباره کنار حافظ و همراه با استاد کمانچه‌نواز، علی‌اصغر خان بهاری، این بار با کت و شلوار که خوب بر قامت‌اش نشسته، غوغا می‌کند. حافظ در صدای او باز زنده می‌شود. سعدی زنده می‌شود. باباطاهر و خیام هم. فرهنگ زنده می‌شود. هنر هم. و مرد طی ۸۰ سال زیبایی، نشان همه می‌دهد که هیچ کس را یارای ایستادگی در برابر هنر نیست. هیچ قدرت و هیچ اقتداری.

در سال‌هایی که او می‌خواند، کم مقابل‌اش نمی‌ایستند. چند تا از بهترین آثارش، هرگز بخت انتشار نمی‌یابند. مجوز به آنها نمی‌دهند. این اگر طنز تلخ روزگار نیست، پس چیست؟ یک عده آدم بی‌خرد، یک عده آدمی که نمی‌توانند شعر حافظ را حتی از رو، بی‌لکنت بخوانند، به شعر او مجوز نمی‌دهند. به صدای آسمانی محمدرضا و به آن نغمه‌های دل‌نشین که مهم‌ترین موسیقیدانان تاریخ این سرزمین سروده‌اند و آقا‌رش می‌ماند در محاق. چندسالی خود به‌نشانی اعتراض در ایران کنسرت نمی‌دهد و چندسال آخر. امان از آن سال‌های آخر که بدنام‌ترین رئیس‌جمهور ایران، همان که مردم این وطن را «خس و خاشاک» نامید و استاد آواز خوان خود را صدای همان خس و خاشاک، از خواندن در وطن‌اش محروم‌اش کرد و کسی چه می‌داند که شاید همین محرومیت بود که سبب طغیان مرض ۱۵ ساله‌ی استاد شد و شد آن چه نباید می‌شد. اما چه باک. غم‌اش که تا ابد بر صحنه‌ی این وطن گسترده است؛ اما بعضی آدم‌ها می‌آیند که چندصباحی جسم‌خاکی‌شان در این دنیا بماند و تا ابد میراث‌شان و محمدرضا شجریان یکی از اینان است.

❖ میراثی که ماند

گمان نبرید که سرنوشت موسیقی ایران به‌دست این خوانندگان جوان افتاده که هرکدام‌شان چندروزی می‌آیند و صحنه را به آشوب می‌کشند و طوری می‌روند گویی که هرگز نبوده‌اند. خیال نکنید که این صداهای گوش خراش، خیال‌نسل جوان را زنده‌اند و نسل‌های بعد از شجریان را معطوف خود کرده‌اند. اینان همگی کف روی آب در یابند. می‌آیند و می‌روند و در یاست که می‌ماند. کدام بنای تازه‌ساز و برج سر به فلک کشیده، توانست برابر سی‌وسه‌پل و نقش جهان، قدرت عرض اندام کند که این نواهای ناکوک مقابل صدای اهورایی او؟ شجریان برای همیشه می‌ماند و صدایش، تا زمانی که